

از نیست به هست!

مروری بر خطاهای رایج درباره‌ی مفهوم و کارکرد پژوهش‌های دانش‌آموزی

ابراهیم اصلانی

اشاره

در قسمت اول از این مجموعه مطالب، پژوهش در چهار سطح بررسی شد. قسمت دوم هم به ارتباط پژوهش‌های دانش‌آموزی با کار کتاب‌خانه‌ای اختصاص داشت. آن‌چه خواهید خواند، نگاهی معکوس به قضیه است. نویسنده به جای آن‌که بگوید «پژوهش دانش‌آموزی چیست؟» ترجیح داده است با بیان «نیست»ها، هم خطاهای رایج در این زمینه و هم منشأ این خطاها را تحلیل و تبیین کند.

همان‌طور که در شماره‌ی قبل مشاهده کردید، به دلیل تراکم مطالب مربوط به درس پژوهی، مبانی، اصول و روش‌شناسی پژوهش‌های دانش‌آموزی در شماره‌ی سه منتشر نشد و اکنون سومین بخش از این سلسله مطالب را می‌خوانید.

کارهایی است که با موضوعات دیگری مانند: خلاقیت، ارزش‌یابی توصیفی، یادگیری مشارکتی و جز آن کرده‌ایم. الان واجب‌تر آن است که از «پژوهش‌های دانش‌آموزی چه چیز نیست؟» صحبت کنیم تا شاید کمی غبارها کنار برود و باران هدایتی ببارد!

پیش از آن‌که به توضیح و تفصیل مبانی و اصول پژوهش‌های دانش‌آموزی بپردازیم، لازم است نگاهی به وضع موجود بیندازیم. وضعیت امروزی پژوهش‌های دانش‌آموزی آمیخته با خطاها و اشتباهاتی است که مدارس را فرسنگ‌ها از هدف اصلی، یعنی تفکر پژوهشی، دور کرده است. بلایی که بر سر این موضوع آمده، بی‌سابقه نیست و مشابه



شاید بهتر باشد که اول خطاها را بگوییم و بعد به بررسی منشأ آن‌ها بپردازیم. اما به نظر می‌رسد تغییر مسیر و پیمودن راه برعکس، تأثیر بیشتری داشته باشد. این امید وجود دارد که با شناخت منشأ خطاهای موجود، هم تاریخچه‌ی ورود به موضوع پژوهش‌های دانش‌آموزی به‌طور ضمنی مرور شود و هم ببینیم که در کجاها کار را خراب کرده‌ایم!

منشأشناسی

دسته‌ای از عوامل مؤثر در رسیدن به وضع موجود را ردیف کرده‌ایم اما به یقین می‌توان گفت که این قصه سر دراز دارد. امیدواریم به کسی و جایی هم برنخورده و این‌گونه تحلیل‌ها و نقدها به خیر و صلاحی منجر شود.

۱. توفان پژوهش

آموزش و پرورش و مراکز فرهنگی کشور ما شاهد پدیده‌ای هستند که اسم آن را «هجوم بورسی» موضوعات می‌گذاریم. هر از چند گاهی، موضوعی با سرعت و شدت و سیل آسا وارد حوزه‌ی آموزش و پرورش می‌شود. به مرور زمان از شور و ذوق اولیه کاسته می‌شود و تا ورود موضوع جدید، با آن مدارا می‌کنیم. بعد هم جای موضوع جدید و قدیم عوض می‌شود.

توفان پژوهش هم به مدارس‌ها رسید و تبعات آن هنوز ادامه دارد. از این جریان، چه برداشت کردیم و به چه تحولی در آموزش و پرورش رسیدیم، پاسخ همان است که به موارد مشابه قبلی می‌توان داد. ورود موضوعات علمی - آموزشی به مدارس چندان هدفمند نیست و به جای اتکا به برنامه‌ای خاص، به افراد و دیدگاه‌های خاص وابسته است.

۲. رونویسی از روی دست هم

همان‌گونه که موضوعات هجومی وارد مدارس می‌شوند، به صورت عمومی هم مورد تقلید قرار می‌گیرند. اجرای برنامه‌های رونوشتی و کپی‌برداری شده در مدارس ما بسیار رایج است. یاد گرفتن از هم‌دیگر ایرادی ندارد، اما به شرط‌ها و شروطها!

۳. درک ناقص

در بیشتر موارد، وقتی موضوعی به مدارس می‌آید، درک روشن و کاملی از آن وجود ندارد. فقط می‌دانیم که این موضوع خوب است، الان همه روی آن کار می‌کنند و ما هم نباید از قافله عقب بمانیم. در مورد پژوهش‌های دانش‌آموزی هم از ابتدا دیدگاه مشخصی وجود نداشت و هنوز هم وجود ندارد. این که نتیجه‌ی پژوهش‌های

دانش‌آموزی به جمع‌آوری مطالب و خلاصه‌نویسی از یک کتاب می‌رسد، اصلاً جای تعجب ندارد. وقتی به‌طور دقیق نمی‌دانیم موضوع چیست و اهداف و مبانی آن کدام است، بدیهی است که به بیراهه خواهیم رفت. ما به مرور زمان از نظریه‌ها و مبانی فاصله می‌گیریم و این باعث می‌شود فعالیت‌ها را بدون درک درست از چرایی و چگونگی آن‌ها انجام دهیم.

۴. مجریان ضعیف

بسیار روشن است که درک ناقص از موضوع به اجرای ضعیف منجر می‌شود. برای یک موضوع، هم راهنمای عمل واقع‌بینانه و مناسب تولید نمی‌شود و هم مجریان در موج تقلید و رونویسی سردرگم می‌شوند. وقتی به مدرسه‌ای می‌رویم، مدیران و معلمان، فعالیت‌هایی را به نام «پژوهش دانش‌آموزی» پیش می‌کشند که فرسنگ‌ها از موضوع و هدف اصلی فاصله دارند. این رویه، در مدارس دیگر هم تکرار می‌شود.

۵. رفتار غیر منسجم

در آموزش و پرورش و مدارس نگاه به موضوعات بخشی و منفصل است. وقتی روی موضوعی تمرکز می‌کنیم، ارتباط آن با موضوعات و فعالیت‌های دیگر فراموش می‌شود یا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. ما موضوع مدار رفتار می‌کنیم نه فرایندمدار. در یک فرایند تربیتی:

- مدرسه یک کل است؛
 - فضای عمومی مدرسه، فضای یادگیرنده است؛
 - همه‌ی عوامل مدرسه به تثبیت فضای عمومی کمک می‌کنند؛
 - فعالیت‌ها منسجم و در هم تنیده‌اند.
- به این ترتیب، در مورد پژوهش‌های دانش‌آموزی هم تا زمانی که نگاه تک‌بعدی باشد، نتایج محدود و ضعیف خواهد بود.
- امروز در نگاه به برنامه‌ریزی درسی، به دیدگاه‌های تلفیقی تأکید می‌شود.
- پژوهش‌های دانش‌آموزی نیز باید از این زاویه بررسی و تحلیل شوند که در آینده به آن خواهیم پرداخت.

چه نیست؟

در مورد پژوهش‌های دانش‌آموزی در وضعیتی قرار داریم که ابتدا باید خطاها را بشناسیم. درک مفهوم واقعی پژوهش‌های دانش‌آموزی در مسیر «نیست به هست»، بهتر امکان‌پذیر است. در این جا موارد عمده‌ای از خطاهای رایج را بررسی می‌کنیم. شاید بتوان موارد دیگری را هم به آن‌ها افزود.

پژوهش دانش آموزی مقاله نویسی نیست

نوشتن یک متن ادبی یا نگارش مقاله‌ای اجتماعی نباید با پژوهش دانش آموزی اشتباه گرفته شود. مقاله نویسی می‌تواند به عنوان یک مهارت نوشتاری مقدماتی، در آموزش‌های مربوط به پژوهش‌های دانش آموزی مدنظر قرار گیرد.

در مقاله به‌طور معمول، موضوعی با شرح و تفصیل بیان می‌شود و نویسنده تلاش می‌کند براساس تجارب، یافته‌ها و برداشت‌های شخصی خود، موضوع مورد نظر را بررسی و تحلیل کند. مقاله ممکن است با یک سؤال یا طرح مسئله‌ای آغاز شود اما بقیه‌ی مراحل آن چندان با مراحل روش علمی منطبق نیست.

در مقاله نویسی توانایی نوشتن، قدرت توصیف موضوع و تأثیرگذاری مطالب اهمیت زیادی دارد. نویسنده می‌تواند متناسب با علایق و برداشت‌های خود، موضوعی را تحلیل کند و به نتیجه‌ی دل‌خواه برسد.

اگر مقاله نویسی با فعالیت پژوهشی یکسان فرض شود، دانش آموز از روش علمی فاصله می‌گیرد و یافته‌ها و استنباط‌های شخصی‌اش را همان نتایج پژوهش تلقی خواهد کرد.

پژوهش دانش آموزی کپی برداری نیست

برداشت عین یک مطلب یا قسمتی از آن از یک کتاب، مجله یا پایگاه اینترنتی در بیشتر موارد، هیچ‌گونه ارزشی ندارد. امکانات دنیای امروز، کار کپی برداری را بسیار آسان کرده است. برداشت مطلبی از پایگاه اینترنتی و چاپ (پرینت) آن کاری بسیار ساده و مرسوم است. گاهی دانش آموزان عین صفحات برگرفته از یک سایت را رونوشت (پرینت) می‌گیرند و حتی به خود زحمت تنظیم صفحات را هم نمی‌دهند. جای تعجب دارد که معلمان و مدارس نه تنها چنین اقدامی را نکوهش نمی‌کنند بلکه خواسته و ناخواسته به تشویق و ترغیب آن هم می‌پردازند.

کپی برداری یکی از بدترین کارها در هر گونه فعالیت آموزشی و پژوهشی است. وقتی مدارس نسخه‌های رونویسی شده‌ی دانش آموزان را به عنوان فعالیت پژوهشی معرفی و به آن افتخار می‌کنند، در واقع به یک انحراف بزرگ آموزشی و پژوهشی دامن می‌زنند. ترویج کپی برداری، خطری بزرگ برای نظام آموزشی کشور است.

پژوهش دانش آموزی گردآوری نیست

آفت بسیار رایجی که مفهوم پژوهش را نه فقط در مدارس ابتدایی بلکه در سطوح بالاتر و حتی دانشگاه‌ها تهدید می‌کند، گردآوری مطالب است. یافتن مطالبی از چند پایگاه اینترنتی یا لابه‌لای صفحات چند کتاب و مجله و سر هم کردن آن‌ها هیچ ربطی به پژوهش ندارد.

پژوهش یک فرایند منظم علمی و مبتنی به روش علمی است. اساس علم و پژوهش، مشاهده است. پژوهشگر طی فعالیت پژوهشی به یافته‌ای هر چند کوچک اما جدید می‌رسد که مبنای آن مشاهده است.

گردآوری مطالب کاری شبیه مقاله نویسی است که در آن نویسنده هم به اندکی جست‌وجو و هم به توانایی نظم‌بخشی نیاز دارد. با این همه، گاهی کسانی که به گردآوری روی می‌آورند، هم جست‌وجو را به ساده‌ترین روش ممکن - مانند یافتن یک کتاب یا پایگاه اینترنتی - انجام می‌دهند و هم بابت نظم بخشیدن به مطالب، زحمتی به خود نمی‌دهند.

در بعضی فعالیت‌های کلاسی، استفاده از روش گردآوری لازم است اما این روش هم باید مطابق با قاعده و اصول خود آموزش داده شود. دانش آموزان باید یاد بگیرند که گردآوری صرفاً کپی برداری نیست. آن‌ها باید یاد بگیرند که برای یافتن مطالب به منابع متعدد مراجعه کنند و بعد از گردآوری مطالب هم، با تلفیق آن‌ها به نوشته‌ای با نظم جدید برسند.

پژوهش دانش آموزی ترجمه نیست

ترجمه هم کاری شبیه کپی برداری است که به اندکی مهارت بیشتر نیاز دارد. ترجمه‌ی مطلبی توسط دانش آموز یا والدین او یا هر کسی دیگر شاید در جای خود کاری لازم باشد اما ارتباطی به پژوهش ندارد. شاید در ضمن فعالیت پژوهشی و به‌ویژه برای نوشتن پیشینه یا ادبیات پژوهش، به ترجمه هم نیاز باشد اما ترجمه نباید معادل پژوهش فرض شود.

پژوهش و کار کتابخانه‌ای

پژوهش با کار کتابخانه‌ای ارتباط نزدیکی دارد. تنها در مواردی معدود از جمله پژوهش‌های تاریخی، همه‌ی پژوهش کار کتابخانه‌ای است. در بقیه‌ی پژوهش‌ها، این کار فقط بخشی از فعالیت است؛ البته بخشی ضروری که در قسمت‌های گوناگون به کار می‌آید. پژوهشگر پیش از فعالیت پژوهشی و در ضمن آن نیاز دارد به منابع متعددی مراجعه کند و ضمن تدوین گزارش پژوهش، بخشی از گزارش (فصل دوم) را به نتایج مطالعاتش اختصاص دهد.

کار کتابخانه‌ای نیز مقاله نویسی، کپی برداری، گردآوری و ترجمه نیست و باید طبق اصول و روش خاص انجام گیرد. کار کتابخانه‌ای یکی از پیش‌نیازهای ضروری برای آموزش فعالیت‌های پژوهشی به حساب می‌آید (در شماره‌ی ۲ در این ارتباط سخن گفتیم).